

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینۀ ایران

نویسنده: شعله

۰۶ جون ۲۰۱۵

نگاهی به وضع زنان کارگر در ایران!

کارگران زن به مثابه ستم‌دیده ترین بخش طبقه کارگر همواره در معرض شدیدترین ستم‌ها و استثمار مضاعف قرار دارند. این وضع ذاتی نظام سرمایه داری بوده و در همه کشورها به درجات مختلف مشاهده می‌شود. اما در ایران که نظام سرمایه داری وابسته حاکم است و جمهوری اسلامی به مثابه یکی از درنده خوترین حامیان این نظام بر قدرت است، این ستم و این استثمار به لطف سرکوبگری این رژیم که با لاف‌های ارتجاعی مذهبی نیز تزئین شده، ابعاد وسیع‌تر و وحشیانه‌تری یافته است.

به واقع در هیچ دوره‌ای از عمر جمهوری اسلامی از این فشارها و ستم‌ها چیزی کم نشده است و در تمام این سال‌ها این رژیم زن‌ستیز با تکیه بر خرافات مذهبی تلاش کرده تا قبل از هر چیز زنان را آماج تعرضات خود قرار دهد. گرچه در همه این سال‌ها کارگران تحت ظلم و ستم بوده‌اند اما زنان کارگر بار بزرگتری از این ظلم و ستم را متحمل شده‌اند.

برای نمونه در همان آغاز قدرت‌گیری دارو دسته خمینی به بهانه این که حضور زنان (در محیط کار) باعث فساد می‌شود و از نظر اسلام جای زن در خانه است، بخش بزرگی از زنان را از کار بیکار کردند. یا در دوران ریاست جمهوری رفسنجانی در چهارچوب طرح تعدیل نیرو، این بیشتر زنان کارگر بودند که بدون این که سرمایه داران مسئولیتی نسبت به سرنوشت آن‌ها تقبل کنند، از کار بیکار شدند. سپس با طرح‌های به شدت ضد کارگری دیگری از جمله قراردادهای سفید امضاء و فضاء دادن به شرکت‌های پیمانکاری نه تنها کل طبقه کارگر با شدیدترین آسیب‌های ممکن از جمله بیکاری وسیع، عدم امنیت شغلی و فقدان تأمین اجتماعی مواجه شدند بلکه زنان کارگر باز هم آماج تعرضات بیشتری قرار گرفتند.

در نتیجه تعرضات سرمایه داران که زیر قدرت سرکوب جمهوری اسلامی پیش می‌رفت، زنان از کار در خیلی از کارخانجات بزرگ عملاً کنار گذاشته شدند و بخش بزرگی از نیروی کار زنان در کارگاه‌های کوچک متمرکز شد که البته در زمان ریاست جمهوری خاتمی از شمول قانون کار خارج شده بودند. در کنار کارگاه‌های کوچک، زنان در کوره‌های آجر پزی، کارگاه‌های نمور قالبیابی و بخش کشاورزی با شرایط کار و زندگی طاقت‌فرسائی به کار گرفته شدند.

جمهوری اسلامی در طول سال‌ها شرایطی را شکل داده که زنان حتی به طور معمول نیمی از حداقل دستمزد تعیین شده توسط دولت را نیز دریافت نمی‌کنند. این کمی دستمزد خود مسبب مشکلات دیگری می‌شود. برای نمونه دستمزد ناچیز زنان با شهریه‌ای که مهد کودک‌ها مطالبه می‌کنند اصلاً هم خوانی ندارد و یکی از موانع مهم بر سر راه زنان

برای ورود به بازار کار می باشد. طبیعی است کارگر زنی که حداقل دستمزد را می گیرد هرگز نمی تواند با این دستمزد کم، هزینه مهد کودک را بپردازد و در این صورت باید از کار کردن منصرف شود.

برای نمونه دستمزد کارگران زن در بخش خدمات با این که عموماً بین ۱۰ تا ۱۲ ساعت کار روزانه می کنند آن قدر ناچیز است که اصلاً کفاف تأمین زندگی را نمی دهد چه رسد به پیدا کردن جایی برای نگهداری کودکان شان. زنان کارگر در این بخش، علی رغم کمی دستمزد از بیمه تأمین اجتماعی نیز برخوردار نمی باشند و به همین دلیل هم از وضعیت اسفباری برخوردار هستند.

یکی دیگر از حوزه های کار زنان بخش کشاورزی است. به عنوان مثال زنانی که در شالیزارهای برنج، مزارع چای، و یا باغ میوه کار می کنند اولاً کارشان فصلی بوده و ثانیاً فاقد هرگونه بیمه و پوشش اجتماعی می باشند. با این که برای نمونه بیشترین درصد کار کشاورزی استان شمال بر دوش زنان است، اما زنان کشاورز از هیچ حمایت اجتماعی برخوردار نیستند. همین وضع را زنانی که در استان هرمزگان در بخش صید و پرورش ماهی و آبزیان دریایی حضوری فعال هستند، دارند. در این بخش هم کار زنان با معضلات بسیاری روبه رو می باشد. آن ها اجباراً هفت روز هفته و هر روز بیش از ۱۲ ساعت در روز به این کار طاقت فرسا مشغولند، اما نه از بیمه برخوردارند و نه از حق بازنشستگی و غیره. به همین دلیل هم در صورت از کار افتادگی هیچ منبع در آمدی ندارند. جالب است که دولت، یکی از موانع عمده بیمه شدن زنان صیاد می باشد. مقامات دولتی حتی از صدور کارت ملوانی برای آن ها خودداری می کنند و این در حالی است که زنان صیاد پا به پای مردان کار می کنند.

کوره پز خانه ها یکی دیگر از حوزه های کار زنان است که کارگران زن با شاق ترین شرایط کار و زندگی در آن جا مشغولند. کار جسمی کارگران زن در کوره پز خانه ها که در زمرة مشاغل سخت و زیان آور قرار دارد، گاه حتی آن ها را قادر نمی سازد که خانواده شان را سیر کنند. در حالی که آن ها در کوره های آجر سازی تحت شدیدترین استثمار ها قرار می گیرند. زنان کوره پز خانه کارهایی را به عهده دارند که گاه از توان جسمی آن ها خارج است و بسیاری از آن ها کودکان خود را در همان محیط آجر پزی به دنیا می آورند، چون مرخصی زایمان در کوره پزخانه ها برای کارفرما ها اصلاً معنا ندارد. به طوری که پس از زایمان مادران مجبورند کودک را در گهواره گذاشته و به کار ادامه دهند. متأسفانه آن چه در کوره پز خانه ها مشاهده می شود درد است و رنج و استثمار، آن هم در نهایت بی رحمی برای کارگران زن که ستم دیده ترین بخش طبقه کارگر هستند.

البته در سراسر ایران حضور زنان کارگر را در همه حوزه های کار و تولید می توان مشاهده کرد. به عنوان مثال در کارگاه های کوچک قالیبافی و یا کاری که کارفرما به زنان می دهد تا در خانه انجام دهند. اما صرف نظر از این تنوع در حوزه های مختلف کار، آن چه در مورد کارگران زن مشابه است این است که برای زنان کارگر در همه این موارد هیچ حق و حقوقی از قبیل بیمه، بازنشستگی، حق مهد کودک و غیره وجود ندارد. صاحبکاران هر موقع اراده کنند می توانند آن ها را اخراج و یا از دادن کار خودداری کنند.

یکی دیگر از روش هایی که سرمایه داران با توسل به آن امنیت شغلی کارگران را از بین برده و آن ها را مجبور می کنند که به هر شرایطی تن دهند، قراردادها موقت می باشد که به تدریج به قراردادهای سفید امضاء تبدیل گشته و زنان کارگر از اصلی ترین قربانیان آن می باشند.

قراردادهای سفید امضاء در واقع ظالمانه ترین شرایط استثمار را بر کارگران تحمیل می کند. این قرارداد به این صورت است که سرمایه دار برای استخدام کارگر تنها امضای او را می گیرد و بعد بسته به شرایط و منافعتش، خود، موارد قرار داد را تعیین می کند. به این ترتیب کارگر برای سیر کردن شکم خود و خانواده اش به امضای قراردادی مجبور می شود که در آن مسائل مربوط به شرایط کار و حقوق کارگر تنها توسط سرمایه دار تعیین می شود. روشن

است که چنین قرار دادی دست سرمایه دار را در انجام هر ظلم و اجحافی که به نفعش باشد، کاملاً باز می گذارد. مثلاً کارفرما بر اساس این نوع از قرارداد می تواند بدون هیچ دلیلی کارگر را اخراج کند و یا اگر حادثه ای برای کارگر در حین کار رخ داد و این حادثه منجر به ناقص شدن و یا مرگش شد، هیچ مسؤولیتی تقبل نکرده و حقوق کارگر را پایمال سودپرستی خود کند.

واقعیت این است که ستم بر کارگر و به خصوص کارگر زن در همه جوامع سرمایه داری وجود دارد ولی در حکومت جنایتکار و وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی، این ستم ها با شدت هر چه بیشتری اعمال می شوند. البته به نظر سردمداران جمهوری اسلامی ستم بر زنان امری طبیعی است چون زن، شهروند درجه دوم محسوب می شود و در قانون جمهوری اسلامی زنان به مثابه جنس دوم شناخته شده و به طور رسمی در قانون به این مفهوم از آن ها نام برده شده است.

بنابراین زنان کارگر به مثابه ستم دیده ترین بخش طبقه کارگر باید برای رسیدن به همه مطالبات خود و رهایی خود هر چه گسترده تر علیه سرمایه داری وابسته حاکم که عامل اصلی همه ستم های وارد به آنان است به مبارزه برخیزند تا بتوانند در جریان این مبارزه، زنجیرهایی را که نظام حاکم به دست و پایشان بسته، پاره نمایند. از آن جا که رژیم جنایتکار و وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی با توسل به وحشیانه ترین سرکوب ها از این نظام ظالمانه حفاظت می کند و با توسل به همین سرکوب ها حقوق کارگران را در تشکل و اعتصاب پایمال نموده، قبل از هر چیز باید نابودی این رژیم در دستور کار آن ها قرار گیرد. و این تنها روشی است که زنان تحت ستم و کارگر ما با توسل به آن قادر می شوند همه زنجیرهایی که به دست و پایشان بسته شده را پاره ساخته و به مقصد خود یعنی رهایی از ظلم و ستم های موجود دست یابند.

نابود باد رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی

اردیبهشت [ثور] ۱۳۹۴

به نقل از: پیام فدائی، ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

شماره ۱۹۱، اردیبهشت ماه [ثور] ۱۳۹۴